

یادداشت

کنترل تورم؛ تکنیک یا اراده
جمعی سیاست‌گذاری؟

تیمور رحمانی
عضو هیأت علمی دانشکده
اقتصاد دانشگاه تهران

اقتصاد ایران پنج دهه است که گرفتار بی‌ثباتی اقتصاد کلان و ام‌المصایب اقتصاد کلان یعنی تورم بالا و بی‌ثبات است. گرچه تورم‌های بالا و دورقمی ظاهراً تبدیل به موضوعی عادی و قابل پذیرش شده، اما اگر به اصطلاح ما اقتصادخوانده‌ها هزینه‌های رفاهی و زبان اجتماعی این تورم بالا و بی‌ثبات در طول حدود پنج دهه را محاسبه کنیم، به طور قطع از بخش بزرگی از شهروندان معمولی گرفته تا اقتصاددانان و سیاستمداران و دستگاه‌های اجرایی را مات و مبهوت خواهد کرد. موضوع آنجا رنج ما را خواهد افزود که بدانیم اگر در مقاطعی هم توانسته‌ایم تورم‌های دورقمی نسبتاً پایین و یا تک‌رقمی را تجربه کنیم، با اتکا به واردات گسترده و پایین نگه داشتن صنعتی نرخ ارز و انباشت ریسک اقتصاد کلان موفق به این کار شده‌ایم که به معنای آسیب‌پذیر کردن بیشتر اقتصاد و تحلیل بردن توان تولید کالاها و خدمات و لذا آماده کردن آن برای ضربه‌پذیری بیشتر در مقابل شوک‌های بیرونی بوده است.

ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب و کار آفرینی



احیای برجام چه تاثیری بر سمت و سوی بازارها دارد؟

نگاه بازارهای مالی به برجام

فرصت امروز: عملکرد نزولی بورس تهران در سال ۱۴۰۰ کماکان ادامه دارد و شاخص بورس در سه روز نخست هفته جاری در مجموع بیش از ۳۰ هزار واحد افت کرده است. همچنین قیمت دلار نسبت به آخر هفته گذشته حدود ۱۵۰۰ تومان و قیمت سکه نیز ۴۰۰ هزار تومان ریزش داشته‌اند. هرچند برخی از تحلیلگران مدعی هستند که تحولات صورت گرفته میان ایران و آمریکا و احیای برجام باعث کاهش قیمت در بازارها می‌شود، اما آنچه که در این بین اثرگذار است، واقعیت اقتصادی کشور است که بر تورم تاثیر می‌گذارد؛ تورم ۳۶،۴ درصدی سالانه، نقدینگی...

۴

دلیل فضا سازی گسترده علیه سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین چیست؟

سایه‌روشن توافق ایران و چین

۲

مدیریت و کسب و کار

ترکیب بازاریابی و سئو

تکنیک‌های سئو در بازاریابی تصویری

بازاریابی تصویری در طول سال‌های اخیر اهمیت بسیار بیشتری در مقایسه با گذشته پیدا کرده است. بدون تردید استفاده از تصاویر و المان‌های بصری برای تاثیرگذاری بر روی مخاطب هدف اهمیت بسیار زیادی دارد. بسیاری از تیم‌های بازاریابی برای تاثیرگذاری بر روی مخاطب هدف نیاز به استفاده از نکات بسیار متنوعی دارند. این امر همیشه همراه با تمایل برای انتقال پیام‌های گسترده به مخاطب هدف است. با این حساب استفاده از تصاویر برای بازاریابی اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت...

۸



همکاری خودروسازان ایرانی با چینی‌ها

کنترل تورم؛ تکنیک یا اراده جمعی سیاست‌گذاری؟

به بکارگیری تکنیک کنترل تورم باشد. این اراده جمعی سیاست‌گذاری باید بپذیرد که نرخ سود متناسب با کنترل تورم تنظیم شود و تبصره‌ای هم به آن بار نکند. این اراده جمعی سیاست‌گذاری باید بپذیرد که اگر نگاه و شرکتی عملاً ورشکسته است و تداوم تزیق منابع بانکی برای سال‌های طولانی نتوانسته است ورشکستگی آن را خاتمه دهد، باید فعالیت آن خاتمه یابد چراکه تداوم فعالیت آن به معنای به کارگیری منابع کمیاب اقتصاد برای شرکت و بنگاه به بهانه حفظ تولید و اشتغال، به معنای نابود کردن فرصت تولید و اشتغال به مراتب بیشتری در اقتصاد است. این اراده جمعی سیاست‌گذاری باید بپذیرد که ناکارآمدی و فقدان رشد بهره‌وری اقتصاد علت تورم نیست (که متأسفانه خیلی روی آن تاکید می‌شود) بلکه علت رکود و فقدان رشد اقتصادی است و زمانی اسباب تورم می‌شود که بخواهیم آن ناکارآمدی و فقدان رشد بهره‌وری را با خلق نقدینگی درمان کنیم که قطعاً ناکارآمدی را درمان نمی‌کند اما تداوم تورم را تضمین ۱۰۰ درصدی می‌کند.

به عبارت دیگر، حتی اگر ما نتوانیم اندازه کیک اقتصاد را بزرگ کنیم (یعنی رشد اقتصادی نداشته باشیم)، تا زمانی که می‌توانیم معادل اندازه کیک اقتصاد ادعا بر روی آن از طریق خلق نقدینگی ایجاد کنیم، تورم اتفاق نمی‌افتد گرچه جامعه از فقدان رشد و دین رشد بقیه دنیا رنج خواهد برد، اما اگر به جای بزرگ کردن اندازه کیک اقتصاد به دنبال ایجاد ادعای بیشتر بر روی آن کیک از طریق خلق نقدینگی باشیم، سند وقوع تورم و تداوم آن را امضا کرده ایم. این اراده جمعی سیاست‌گذاری باید بپذیرد که سطح رفاه شهروندان را تولید سرانه و نحوه توزیع آن تعیین می‌کند و در رشد تولید سرانه و توزیع آن محدودیت‌هایی وجود دارد که آن محدودیت‌ها با خلق نقدینگی قابل برطرف شدن نیست و تلاش برای نادیده گرفتن آن محدودیت‌ها به معنای تداوم اقداماتی است که نتیجه آن تداوم رشد نقدینگی و تورم است. این اراده جمعی سیاست‌گذاری باید بپذیرد که نمی‌توان تصمیماتی گرفت که نتیجه‌اش تداوم رشد بالای نقدینگی است یا از گرفتن تصمیماتی پرهیز کرد که نتیجه‌اش تداوم رشد بالای نقدینگی است و آنگاه امیدوار بود که می‌توان اقداماتی در پیش گرفت که مانع اثرات تورمی این رشد بالای نقدینگی به شکل پایدار باشد. این اراده جمعی سیاست‌گذاری باید بپذیرد که اگر رشد بالای نقدینگی و تورم بالا برای نواحی عقب و بعد از انقلاب وجود داشته است، نمی‌توان آن را به موضوعاتی مانند کاهش درآمدهای نفتی، خشکسالی، تحریم و رفتار سودجویانه دلالت و مواردی از این دست نسبت داد، بلکه معلوم است در تصمیم‌گیری جمعی یک مشکل مشترک در همه دوره‌ها وجود داشته است و آن هم اجازه دادن به رشد بالای نقدینگی نامتناسب با نیاز و توان جذب اقتصاد است (حتی اگر دوستانی هستند که تورم را به سودجویی و مواردی از این دست نسبت می‌دهند، در واقع بدان معناست که ما با تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها خلق

البته اگر هم در مورد تورم اظهار نظر کنند یا تقصیر را به گردن سودجویان و دلالت و محتکران می‌اندازند یا اینکه مقام پولی را برای ناتوانی کنترل نقدینگی سرزنش می‌کنند. مقام پولی یا بانک مرکزی که اصولاً در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا وظیفه و مشغله اصلی روزانه‌اش سیاست‌گذاری پولی و نظارت بر نظام بانکی است، آنچنان باید مشغول تخصیص ارز برای واردات نهاده تولید مرغ هورمونی و تشکیل جلسه برای رفع نیاز سرمایه در گردش شرکت‌های ورشکسته و ناکارآمد و اطمینان از دادن وام ازدواج توسط بانک‌ها و توصیه به مدارا با بانک‌های ناتراز بشود که فرصتی برای سیاست‌گذاری پولی پیدا نکند و مدام هم در حال اعتراض باشد که رشد نقدینگی به بانک مرکزی تحمیل شده است که البته حرف درستی است ولی از درد مردم در تحمل تورم چیزی نمی‌کاهد.

از مقدمه مختصری که گفته شد، چه نتیجه‌ای قرار است بگیریم؟ آیا کنترل تورم یک موضوع تکنیکی است و ما به تکنیک کنترل تورم مسلط نشده‌ایم و دانش آن را نداریم یا اینکه کنترل تورم یک اراده جمعی کل دستگاه سیاست‌گذاری است که در فقدان آن اراده، تکنیک‌های کنترل تورم کمک چندان زیادی نمی‌کنند؟ واضح است که ناتوانی کنترل تورم نمی‌تواند یک موضوع تکنیکی باشد، چراکه علم اقتصاد فعلاً به اندازه کافی برای کنترل تورم (نه حل تمام مشکلات اقتصاد کلان) مجهز شده است و ایران کشوری است با تحویل‌دهنده‌های توانمند بسیار در علم اقتصاد چه در داخل و چه در خارج از کشور که تردید نداریم تداوم تورم بالا یکی از دل‌مشغولی‌ها و نگرانی‌های اصلی آنان و اسباب رنج آنان است و کشورهای بسیاری وجود دارند که از نظر نهاده‌ها و دانش اقتصادی کنترل تورم بسیار عقب‌تر از ما هستند و با این حال با معضل تورم روبه‌رو نیستند.

اصل پیام علم اقتصاد برای کنترل تورم آن است که قیمت پول یا نرخ سود باید به گونه‌ای تنظیم شود که انتظارات تورمی و در نتیجه تورم واقعی را کنترل نماید که بیان دیگر آن کنترل رشد نقدینگی متناسب با نیاز اقتصاد در بلندمدت است و صدا البته برای تضمین توفیق لازم است اطمینان حاصل شود که بانک‌ها و موسسات اعتباری به انباشت ریسک و ایجاد ریسک سیستمیک در ترازنامه خود نمی‌پردازند و در نگاهی جامع‌تر، ریسک سیستمیک در بخش مالی اقتصاد در حال انباشت شدن نیست. غیر از آنچه گفته شد، هیچ سحر و جادویی برای کنترل تورم نیاز نیست.

اگر کنترل تورم یک موضوع تکنیکی نیست، چرا تبدیل به یک آرزوی دست‌نیافتنی برای ما شده است؟ جواب در همان عبارتی است که در تکنیک کنترل تورم گفته شد و در واقع بسترهای امکان‌پذیر کردن تکنیک کنترل تورم را در خود نهفته دارد. اگر کشوری بخواهد تورم را کنترل نماید باید اراده جمعی سیاست‌گذاری آن کشور شامل دولت و مجلس و سایر ارکان سیاست‌گذاری و اجرایی تن دادن

اعتباری برای تخصیص منابع بانکی و همچنین هرگونه تکلیفی به شکل قیمت‌گذاری مصنوعی گسترده برای کالاها و خدمات به معنای صادر کردن دستور خلق نقدینگی است، گرچه این دستور هیچ صراحتی ندارد، اما رشد نقدینگی نامتناسب با نیاز اقتصاد فقط به کسری بودجه مستقیم و غیرمستقیم دولت محدود نمی‌شود.

هرگاه بانک‌ها و موسسات اعتباری در حال خلق نقدینگی برای تصاحب دارایی‌هایی هستند (چه به شکل وام و تسهیلات و چه به شکل خرید دارایی و سرمایه‌گذاری مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی) که آن دارایی بازدهی حقیقی اندک و احیاناً منفی دارد، ما در حال صادر کردن دستور خلق نقدینگی نامتناسب با نیاز اقتصاد هستیم، حتی هنگامی که آن بانک‌ها و موسسات اعتباری کاملاً خصوصی هستند. مورد اخیر در بیش از یک دهه اخیر به هیچ وجه کمتر از کسری بودجه دولت در خلق نقدینگی و تورم زیانبار نبوده است بلکه زیان اجتماعی آن بسیار چشمگیر بوده است. هرگاه توانستیم از صادر کردن این دستورات خلق نقدینگی خودداری کنیم، آنگاه اراده جمعی برای کنترل رشد نقدینگی و تورم را کسب کرده‌ایم. در آن صورت است که پیش‌شرط مدیریت تورم برای مقام پولی را هم فراهم کرده‌ایم تا نه تنها در بلندمدت کنترل تورم حاصل شود، بلکه در کوتاه‌مدت نیز تورم تحت کنترل درآید و از بی‌ثباتی آن جلوگیری شود. اگر نتوانیم این اراده جمعی را پیدا کنیم که از صادر کردن دستور خلق نقدینگی نامتناسب با نیاز اقتصاد پرهیز کنیم، آنگاه به سادگی و با مکانیسم خلق درونزایی ناشی از بازی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، امکان تداوم پنج دهه دیگر تورم بالا و بی‌ثبات را خواهیم داشت مستقل از اینکه مقام پولی به عنوان مسئول مستقیم کنترل تورم چه اندازه به تکنیک کنترل تورم مسلط باشد و چه اندازه تلاش کند که مانع تورم شود. در چنین شرایطی، نوشتن مدرن‌ترین قوانین پولی و بانکی هم کمکی نخواهد کرد و تاکید روی تغییر قوانین و مقررات و تاکید روی استقلال بانک مرکزی و تاکید روی پولی‌نشدن کسری بودجه هم حرف‌های تکراری بی‌خاصیتی خواهند بود که فقط اسباب سخنرانی‌های برحرا و نوشتن مقالات پژوهشی شکیل و وزین برای ما اقتصادخوانده‌ها است و لاغیر. اینها آنچه است که با دقت در مکانیسم خلق نقدینگی و تورم در طول حدود پنج دهه عاید یک تحلیلگر حوزه اقتصاد کلان می‌شود.

امید است که ما این اراده جمعی را پیدا کنیم که دستور خلق نقدینگی نامتناسب با نیاز اقتصاد صادر نکنیم که صادر کردن چنین دستوری هم ارز با صادر کردن دستور رنج و مشقت دهک‌های پایین و آسیب‌پذیر و صادر کردن دستور رشد پایین اقتصادی و بیکاری بالا است (در حالی که در بسیاری از موارد با قصد و نیت خیر هم انجام می‌شود) و تداوم دستور خلق نقدینگی حتی به معنای صادر کردن دستور تخریب همدیگر توسط دستگاه‌ها و تشکیلات درگیر در سیاست‌گذاری اقتصاد کلان است.

نقدینگی را در خدمت آن سودجویان قرار داده‌ایم که در تحلیل رشد درونزایی نقدینگی مبتنی بر رانت‌جویی قابل تحلیل است. این اراده جمعی سیاست‌گذاری باید بپذیرد که انداختن تقصیر تورم به گردن این نهاد و آن نهاد و این دستگاه و آن دستگاه فقط به معنای تداوم درد تورم برای اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده است. پس چکار کنیم که از درد و رنج ماندگار تورم رها شویم؟ شرط لازم آن است که به تکنیک و ابزار کنترل تورم و اجرایی کردن آن مجهز شویم، اما باید بدانیم که تکنیک کنترل تورم تنها شرط لازم است و نه کافی. تکنیک کنترل تورم به تنهایی در حد مختصری حول عامل بنیادی تورم، تفاوت ایجاد می‌نماید و لاغیر. اگر به صورت بنیادی قرار است تورم ۲۰ درصد باشد، استفاده یا عدم استفاده از تکنیک کنترل تورم در حد اینکه موقتاً و فقط موقتاً تورم را تا مرز ۱۰ درصد پایین آورد یا به مرز ۳۰ درصد برساند، می‌تواند نقش داشته باشد. هرگاه عامل بنیادی تورم ایجاد می‌کند که تورم ۲۰ درصد باشد، با هیچ ابزار و تکنیکی نمی‌توان تورم را به حدود صفر رساند و در آن حدود ننگه داشت. به همین ترتیب، اگر عامل بنیادی تورم ایجاد کند که تورم ۲۰ درصد باشد، با هیچ تکنیک و ابزاری نمی‌توان تورم را به بالای ۲۰ درصد رساند و مدت زیادی در آن حد ننگه داشت. توجه داشته باشیم که موضوعاتی به صورت مقطعی می‌توانند نرخ تورم را از عامل بنیادی دور کنند که مصداق بارز آن انتظارات است و می‌تواند برای مدتی کوتاه تورمی بسیار شدیدتر از عامل بنیادی ورای آن ایجاد کند اما اگر عامل بنیادی با آن همراه نشود، فقط مدت کوتاهی این امکان وجود دارد که انتظارات سبب تورم بسیار متفاوت از مقدار بنیادی آن شود و تداوم تورم بر اثر انتظارات مستلزم آن است که رشد بالای نقدینگی با آن همراه شود و اصطلاحاً عامل انتظارات را برای ایجاد عامل بنیادی تجهیز نماید.

شرط کافی کنترل پایدار تورم چیست که قرار است ما با یک اراده جمعی باید آن شرط را برآورده نماییم؟ هرگاه در نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور اعم از دولت و مجلس (و در مواردی حتی دستگاه قضایی) تصمیماتی اتخاذ کنیم که رشد نقدینگی فراتر از نیاز اقتصاد را اجتناب‌ناپذیر نماید، شرط کنترل پایدار تورم را نقض کرده‌ایم. جلوه بارز این نقض در کسری بودجه آشکار و پنهان دولت خود را نمایان می‌سازد. اگر در تدوین و تصویب بودجه تصمیماتی می‌گیریم که به طور پیوسته (نه مقطعی و کوتاه‌مدت) منجر به کسری بودجه شود و این کسری بودجه در مقایسه با سایر اقتصاد قابل توجه باشد، دستور خلق نقدینگی را صادر کرده‌ایم حتی اگر دولت کسری بودجه خود را پولی نکند. به عبارت دیگر، نفس متوسط کسری بودجه متناسب با سایر اقتصاد با اهمیت است که اگر بالا باشد، توصیه به پولی نکردن آن توصیه‌ای خالی از فایده است، اما کسری بودجه آشکار دولت تنها بخشی از دستور خلق نقدینگی مرتبط با تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری ما است. هرگونه تکلیفی به شکل الزام بانک‌ها و موسسات

